

نقش ایمان و اخلاق در تحکیم بنیاد خانواده

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج یک زن و مرد آغاز می شود و با تولید و تکثیر فرزندان توسعه و استحکام می یابد...



خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج یک زن و مرد آغاز می شود و با تولید و تکثیر فرزندان توسعه و استحکام می یابد. جوامع بزرگتر نیز از همین واحدهای کوچک تشکیل می شوند. بشر از آغاز، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده و در همه زمان ها و مکان ها بدان پایبند بوده و هست. این نوع زندگی از امتیازات انسان محسوب می شود و فوائد گوناگونی را در بردارد، از جمله این که زن و مرد را از پریشانی و بی هدفی و ولگردی نجات می دهد و به خانواده وابسته و دلگرم می سازد از نعمت انس و مودت و لذت جوئی های مشروع زناشویی بهره مند می شوند. در کانون گرم و با صفای خانواده فرزندان مشروعی را تولید می کنند. پرورش فرزندان و انس با آنان یکی از بهترین لذت های زندگی است. وابستگی کودکان و نوجوانان و جوانان به خانواده نیز فوائد زیادی را در بردارد، زیرا موجب می شود که از ولگردی و انواع مفسد اخلاقی و اجتماعی و انحرافات جنسی، و ارتکاب جنایت و بزهکاری و اعتیاد، به مقدار زیادی مصون بمانند.

بنابر این، سلامت و سعادت یک جامعه، تا حدود زیادی، به وضع خانواده ها و کیفیت روابط بین زن و شوهر و والدین و فرزندان بستگی دارد. هر چه روابط بهتر و سالمتر باشد زندگی شیرین تر و با صفاتری دارند و فرزندانشان نیز بیشتر به خانواده وابسته می مانند و از خطر انحراف مصونیت پیدا می کنند. متناسفانه وضع خانواده در جهان، مخصوصا در کشورهای صنعتی غالبا خوب نیست، اختلافات و کشمکش های خانوادگی بسیار زیاد است، زندگی را بر زن و مرد تلخ ساخته و بنیاد خانواده را متزلزل نموده است. بر آمار طلاق و تعداد زنان و مردان بیوه افزوده می شود و تعداد کودکان بی سرپرست و ولگرد افزون می گردد. سنین ازدواج بالا رفته و رغبت به ازدواج و تشکیل خانواده کمتر شده است. لذت جوئی های کاذب و زودگذر جای لذت جوئی های مشروع و پایدار و انس و محبت و آرامش خانوادگی را گرفته و جوانان را از ازدواج مشروع و تشکیل خانواده باز می دارد، و به ولگردی در خیابان ها و پارک ها و مراکز فساد و عیش و نوش تشویق می کند. انحرافات جنسی و مفسد گوناگون اخلاقی و اجتماعی روز به روز زیادت می شود.

تزلزل بنیان خانواده و اوضاع اسفبار چنین اجتماعات از هم گسیخته ای وجدان های بیدار خیراندیشان را متاثر ساخته و برای حل این مشکل چاره می جویند. حقا بنیان مقدس خانواده در معرض تهدید جدی است و باید برای نجات آن از فروپاشی چاره اندیشی کرد و هر چه هم در این باره خرج شود ارزش دارد.

خوشبختانه به وسیله سازمان های بین المللی در این رابطه کارهای خوبی انجام گرفته است، مانند بیانیه رفع هر گونه تبعیض در مورد زنان، جلوگیری از خشونت درون خانواده و جلوگیری از استثمار و سوء استفاده جسمانی و روانی از بانوان و کودکان، و دفاع از حقوق بانوان برای شرکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، دفاع از حقوق زنان و کودکان، تشویق و توصیه به تامین خدمات رفاهی به بانوان باردار و بچه شیرده، دادن حق مرخصی به بانوان در ایام بارداری و شیر دادن، پرداخت حق همسر و اولاد به کارگران و کارمندان، کمک به تاسیس و اداره مهد کودک و پرورشگاه ها، و دیگر امور از این قبیل، برای جلوگیری از فروپاشی خانواده ها طلاق را جز در موارد محدود ممنوع نموده اند و برای انجام آن موانعی را بوجود آورده اند تا عملا طلاق کمتر انجام بگیرد.

و در نهایت سال 1994 را به عنوان سال جهانی خانواده معرفی نموده اند تا افکار جهانیان را به سوی ضرورت رعایت رسیدگی به وضع خانواده ها و کودکان و به ویژه حقوق بانوان معطوف سازند اما با توجه به اوضاع و شرائط رو به وخامت خانواده در جهان از سازمان ملل انتظار می رفت که مهمترین موضوع مطرح شده این سال را بررسی و ریشه یابی علل و عوامل تشدید اختلافات خانوادگی و تزلزل روزافزون بنیان خانواده ها و ازدیاد آمار طلاق و مردان و زنان بیوه و کثرت کودکان بی سرپرست، و کم رغبتی جوانان به ازدواج، قرار می داد. و برای ایجاد روابط بهتر بین زن و شوهر و تحکیم بنیان خانواده ها چاره اندیشی می کرد. متناسفانه از طرح یک چنین مسأله مهم و حیاتی غفلت شده است. زیرا با جعل قوانین به نفع بانوان و دفاع از حقوق آنان، و به وجود آوردن موانعی برای طلاق، چنین هدفی تأمین نمی شود. با چنین برنامه هایی نمی توان جلوی طلاق را گرفت، و روابط بین زن و شوهر را اصلاح کرد و بنیان خانواده ها را استوار ساخت، چنان که همه ما شاهد عدم موفقیت آنان در این جهت هستیم.

به همین جهت اسلام با این که در موارد متعدد از حقوق بانوان دفاع کرده و طلاق را مبعوضترین کارهای جایز دانسته و برای جلوگیری از آن موانعی را به وجود آورده است، اما این مقدار را برای تحکیم بنیان خانواده کافی نمی داند. زیرا با اجرای بعضی از قوانین می توان اموری را بر شوهر تحمیل کرد و از طلاق مانع شد، و زن را ظاهرا وابسته نگهداشت ولی بدین وسیله نمی توان هدف از ازدواج یعنی انس و محبت و صفای خانوادگی را تأمین نمود، خانه ای که در آن صفا و محبت نباشد از هم گسیخته است و ویرانه، بلکه زندانی بیش نیست.

اسلام برای تحقق اهداف ازدواج و تحکیم بنیاد خانواده روی دو امر تاکید دارد: یکی ایمان و دیگری اخلاق. و به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می کند که دین و اخلاق همسر خود را نیز منظور بدارند.

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و در امر ازدواج با او مشورت نمود، آن حضرت فرمود: «با زنان دیندار ازدواج کن تا خیر فراوانی نصیب تو شود». (1)

علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «سودی بهتر از زن صالح و شایسته نصیب انسان نمی شود، زنی که شوهرش را خوشنود می سازد و در غیاب او از خودش و مال شوهرش نگهداری می کند». (2)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر کسی از دختر شما خواستگاری کرد و دین و اخلاقش را پسندید با او تزویج کنید و گرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود می آید». (3)

برای حسن رابطه بین زن و شوهر و بقاء و استحکام بنیاد خانواده و برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق نیز بهترین وسیله را رعایت ارزش های اخلاقی می داند، و در این رابطه توصیه های فراوانی دارد.

اسلام ازدواج را پیمانی مقدس می داند که در بین یک زن و مرد، به اعتبار این که دو انسان هستند بسته می شود و مهمترین هدفش تامین نیازهای انسانی و آرامش و سکون و انس زن و مرد به یکدیگر است حتی لذت جوئی های مشروع جنسی و اشباع غریزه و تولید و پرورش فرزندان را نیز در راه تامین هدف عالی انسانی محسوب می دارد.

قرآن کریم در این رابطه می گوید: «و از نشانه های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید تا به سوی آنان آرامش بیابید، و در میان شما محبت و دلسوزی قرار داد، همانا که در این موضوع برای اندیشمندان نشانه هایی است» (4)

در آیه مذکور انس و آرامش خانوادگی به عنوان ثمره ازدواج معرفی شده است و این موضوع بسی برتر از امکان ارضاء مشروع غریزه جنسی است. در پیمان مقدس زناشویی زن و مرد با تمام وجود به سوی همدیگر جذب و متحد و یک دل می شوند. و در تمام ابعاد زندگی در خدمت یکدیگر قرار می گیرند. مانوس و همفکر و هم راز و یک هدف می شوند.

در آیه مذکور زندگی خانوادگی بر دو پایه نیرومند مودت و رحمت استوار گشته است یکی از پایه های ازدواج مودت و علاقه زن و شوهر نسبت به یکدیگر است، خوبی ها و نقاط مثبت یکدیگر را مورد توجه قرار می دهند و از صمیم قلب همدیگر را دوست می دارند. هر یک از آنان، دیگری را نعمتی ارزشمند از جانب خدا و وسیله انس و الفت و آرامش و دلگرمی و شریک زندگی می شمارد و از این نعمت بزرگ قدردانی و سپاسگزاری می کند.

پایه دیگر ازدواج که در آیه بدان اشارت رفته رحمت یعنی مهربانی و دلسوزی است، هر گاه یکی از زوجین به نقصان و ضعف و نیازی در همسرش مواجه شد با دیده ترحم و دلسوزی به آن می نگرد، فکر می کند که او یک انسان است و انسان بی نقص نیست. چنانکه خودش نیز بی عیب نیست. دلش به حال او می سوزد و سعی می کند با نرمی و مدارا و از روی مهربانی و دلسوزی نقص او را در صورت امکان برطرف سازد، و در صورت عدم امکان او را با همان حال می پذیرد و نقصانش را نادیده می گیرد، و به زندگی ادامه می دهد. لازمه رحمت و دلسوزی این است که چنانکه خیر و صلاح خود را می خواهد در همه حال خواسته ها و تمایلات همسرش را نیز منظور بدارد و هر چه را برای خود می خواهد برای او نیز بخواهد، و همواره به فکر تامین سعادت و آسایش و آرامش او نیز باشد.

قرآن مجید در این رابطه تعبیر بسیار جالبی دارد و زن و شوهر را چنین توصیف می کند:

«زنان برای شما لباس هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید» (5)

لباس مجموع بدن انسان را با همه کمالات و نواقص و خوبی ها و بدی ها و زیبایی ها و زشتی ها در بر می گیرد از سرما و گرما و خطرها حفظ می کند، بر زیبایی هایش می افزاید و عیوبش را می پوشاند، لباس نزدیکترین اشیاء نسبت به انسان است و از جمله نیازهای اولیه بشمار می رود. زن و شوهر نیز نسبت به یکدیگر باید همانند لباس باشند همدیگر را با همه نواقص و کمالات بپذیرند. حافظ و نگهبان و آرامش بخش یکدیگر باشند. بر زیبایی های هم بیفزایند و عیوب هم را بپوشانند، راز نگهدار و محرمانه اسرار باشند.

اسلام در مورد روابط بین زن و شوهر و زندگی خانوادگی چنین می اندیشد و آن را بر چنین پایه هایی استوار ساخته است. تشکیل چنین خانواده هایی در خور انسان است و سعادت جسمانی و نفسانی، دنیوی و اخروی او را تامین می کند. اگر بنیاد خانواده بر پایه های ایمان و محبت و دلسوزی استوار گردد کانون خانواده گرم و با صفا می شود و از کشمکش ها و اختلافات و طلاق و فروپاشی جلوگیری می کند.

خیر اندیشان باید در تزویج و تبلیغ چنین خانواده هایی تلاش و سرمایه گذاری کنند و بدین وسیله از تزلزل و فروپاشی بنیاد خانواده جلوگیری نمایند.

البته معلوم است که با حمایت های قانونی فقط نمی توان بدین هدف بزرگ رسید و بنیان خانواده را بر پایه های محبت و دلسوزی استوار ساخت. بهترین وسیله برای رسیدن به چنین هدفی تبلیغ و دعوت مردم به رعایت ارزش های اخلاقی است. چنانکه اسلام همین روش را انتخاب کرده و بر رعایت اخلاق در خانواده تاکید فراوان دارد. از باب نمونه به گوشه ای از آن اشاره می شود:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «کاملترین مردم از جهت ایمان کسی است که اخلاقش خویتر باشد، و بهترین شما کسانی هستند که نسبت به همسران خود خوشرفتارتر باشند» (6) امام سجاد علیه السلام فرمود: «حق همسرت این است که بدانی خدای متعال او را وسیله آرامش و انس تو قرار داده و بدانی که او نعمتی است از جانب خدا برای تو، پس او را گرامی بداری و با وی مدارا کنی گرچه تو نیز بر او حقی بزرگ داری، اما باید نسبت به او دلسوز و مهربان باشی زیرا در اختیار تو قرار دارد. باید خوراک و پوشاک او را تامین کنی و اشتباهات و لغزش هایش را ببخشی» (7)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «جهاد زن در این است که خوب شوهرداری کند». (8)

اسلام عنایت ویژه ای به اخلاق دارد و رعایت ارزش های اخلاقی را برای سلامت خانواده و تحکیم بنیان آن ضروری و لازم می داند.

به نظر می رسد یکی از عوامل مهم تزلزل بنیاد خانواده و کثرت روزافزون آمار طلاق بی توجهی به مسائل اخلاقی است و برای حل این مشکل بزرگ که خانواده را در معرض تهدید جدی قرار داده چاره ای جز احیای ارزش های اخلاقی بویژه اخلاق خانواده نداریم. چقدر بجاست که خیراندیشان و سازمان جهانی حمایت از خانواده سالی را نیز به عنوان سال حمایت از اخلاق خانواده معرفی کنند و افکار جهانیان را به سوی اهمیت و ضرورت احیای اخلاق خانواده معطوف سازند.